



قهرمانهایش همذات پنداری کردم. با کتابخوانی، پنجره‌های بیشتری از این جهان گسترده به روی من باز باشد. خلق کردن و آفریدن در ذات آدم‌ها است و هنر تماما از آفرینش شکل گرفته است. گرایش به هنر باعث شد خیلی مسائل و رنجها را تحمل کنم. در دوران کودکی کتابهای زیادی خواندم و به هنرهای دیگر علاقه‌مند شدم. مدتی عکاسی می‌کردم و تاریخ‌خانه داشتم، سپس به سینما علاقه‌مند شدم. سینما برای من عجیب و غریب است. وقتی برای اولین بار با خانواده به سینما رفتم، محیط تاریک سینما برایم مانند خواب و خیال بود. به شدت آدم خیال‌پرداز هستم و سینما هم مانند خواب و خیال است. سینما جادویی است که شما را از دنیایی به دنیای دیگر می‌برد. به خاطر روحیاتم به سینما علاقه‌مند شدم.

دخترتان جزء بازیگران مطرح و موفق سینما است، پس این ذوق و استعداد زیاد در بازیگری را از شما به ارث برده؟

این موضوع در او نهادینه بود. مادرش هم هنرمند است و خودش هم به هنر علاقه دارد. ترانه با میل خودش به سمت بازیگری رفت و ما فقط به او کمک کردیم. در سن و سال کم، عقلانیت و آگاهی کامل را در او مشاهده می‌کردیم. همه چیز را خودش انتخاب می‌کرد و من و مادرش فقط مشورت دادیم.

ترانه با وجود انتخاب سینما، از ورزش غافل نشده است و با استفاده از جایگاه اجتماعی خود سعی در کمک به ورزش بانوان هم دارد. گرایش به ورزش به خاطر شماست یا روحیات خود او؟

به طور حتم به خاطر اینکه من فوتبالیست هستم و به نوعی با مخاطب در ارتباط هستم، او هم به ورزش علاقه‌مند شده. وقتی چیزی را لمس می‌کند و از نزدیک می‌بیند، حتما تحت تاثیر قرار می‌گیرد و درباره آن هم به صحبت کردن می‌پردازد. نمی‌شود که از من تاثیر پذیری نداشته باشد. ترانه، جهان بینی گسترده‌ای دارد و خودش این زندگی را انتخاب کرد.

تا به حال پیشنهاد بازیگری هم داشتید؟

آدم کم‌رو و خجالتی هستم و نمی‌توانم جلوی دوربین قرار بگیرم و اصلا نمی‌توانم به ایفای نقش فکر کنم. البته هیچ وقت پیشنهاد بازیگری هم نداشتم که بخوام رد یا قبول کنم.

خیلی خوشحالم که توانستم تمام مدارج را طی کنم و اصولم را زیر پا نگذارم. اصول من یکی از دلایلی است که خانه نشین هستم ولی مهم نیست چون باور خودم بود و بقیه زندگی را هم با همین اصول طی می‌کنم.

از همه چیز راضی به نظر می‌رسید. بخصوص از فوتبال که اکثر آمل‌گلا به است. فوتبال چه چیزی به شما داد که از آن راضی هستید و هیچ وقت گلا به نمی‌کنید؟

فوتبال برای من رنجنامه بود و شخصیتم را از نظر روانی و جسمی قوام بخشید. فکر می‌کنم رنجهایی که در فوتبال کشیدم، به قوام شخصیتم کمک کرد. رنجهایم طوری هستند که صدا ندارند و در خاموشی و سکوت ادامه دارند. دوست ندارم با صدای بلند رنجها را بگویم. از کودکی فردی درونگرا بودم و فوتبال خیلی کمک کرد که نگاهم به دنیا و هستی، گسترده‌تر شود و پنجره‌های جدیدی را به روی زندگی من باز کرد. در تمام آسیب‌دیدگی‌ها چند بار تا مرگ می‌روید، بلند می‌شوید و برای هدف‌تان تلاش می‌کنید. با تمام کاستی‌ها و بلاهایی که به سرتان می‌آید و روی سرتان هوار می‌شود، اصولتان را حفظ می‌کنید و رنجها را آنقدر درونی می‌کنید که مانند بنزین، موجب افزایش انگیزه‌های شما برای فردای بهتر می‌شود. فوتبال باعث شد همیشه در محصه‌ها و جاهایی که در حقم اجحاف شد، فریادم را در خودم خاموش کنم ولی اصولم را زیر پا نگذارم. ناعدالتی‌هایی را که در حقم شده بود، با احترام جواب دادم.

بخش هنری زندگی شما و بخصوص علاقه‌تان به هنر در ابعاد مختلف جذاب به نظر می‌رسد.

فکر می‌کنم فوتبال با این همه خشونت می‌تواند با مسائل فرهنگی تلطیف شود. نه اینکه با هنر، انگیزه شما درباره ورزش کم شود، اتفاقا باعث افزایش انگیزه می‌شود. وقتی آدم با کتاب عجین شود، با شخصیت‌هایی در کتابها آشنا می‌شود که در رنج کامل و با تمام کاستی‌ها شگفتی آفرینند. من به طور ذاتی فردی منزوی بودم و تنهایی عجیب و غریب خودم را با کتاب پر کردم. خیلی چیزها از کتاب یاد گرفتم. در رده‌های مختلف با سبکهای مختلف مواجه بودم. کتاب برای انتخاب راهکارها و طی طریقی که در فوتبال داشتیم، کمک کرد.

سکوتی در من وجود دارد که با کتاب آن را پر کردم.

چرا با وجود علاقه زیادی که به هنر دارید و غرق در آن هستید، به سمت فوتبال رفتید؟

فوتبال برای من یک هنر است چون با مخاطب ارتباط دارید و وسیله بیان است. خیلی تحت تاثیر کتابها قرار گرفتم. با

نشریه کیکر عکسی از این صحنه را روی جلد خود کار کرد. در بیمارستان، من را در قسمتی بستری کردند که مخصوص افراد متوفی بود. در یک بازی دیگر، دروازه‌بان حریف با مشت به چشمم کوبید. شدت ضربه به حدی بود که امکان داشت بینیای خودم را از دست بدهم. دو، سه بار دماغم شکست. اتفاقات خیلی بدی برای من رخ داد اما به لطف خدا هر بار به میادین برگشتم.

در مریگیری به اندازه دوران بازیگری موفق بودید؟ خودتان را مری موفق می‌دانید؟

سوال خوبی است. موفقیت تعریفهای زیادی دارد. موفقیت در استقلال و پرسپولیس در قهرمانی خلاصه می‌شود. موفقیت برای بضاعت‌های دیگر که در حداقل‌ها قرار دارند، تعریف متفاوتی دارد. به نظرم با توجه به بضاعتی که تیمهای داشتند، موفق بودم. یک بار با سایا از دسته دو به دسته یک رفتم. در هر دوره در آستانه موفقیت بودم ولی با چه بضاعتی این کار را انجام دادم؟ مسأله مهم برای من، تربیت شاگردان زیاد است. وقتی در حداقلها هستید و بضاعت کمی دارید، سازندگی مهم است. پژمان جمشیدی، محمد محمدی، بهنام ابوالقاسم‌پور، یدالله اکبری، مهر داد اولادی، میلاد میداودی، حنیف عمران زاده، سوشا مکانی و بازیکنان تیم ملی نوجوانان که تا چند سال دیگر در لیگ برتر به میدان خواهند رفت، بازیکنان من بودند. خیلی سعی کردم تمام دوران مریگیری را با اخلاق طی کنم. مکتب هم، مکتب پرویز دهداری بود. مهم این بود که شاگردانم را به تحصیل و اخلاق‌مداری ترغیب کنم چرا که انسانیت و اخلاق‌مداری تمام اصول من است. خودم به دانشگاه رفتم و معتقدم با تحصیل و بدون صدمه زدن به چیزی می‌توان در جات ترقی را طی کرد. تلاش را برای موفقیت انجام دادم.

اخلاق‌مداری جزء شاخصه‌های مهم دوران مریگیری شما بوده و در رفتارتان مشهود است. این موضوع نشأت گرفته از دوران کودکی شما است یا بعداً و در محیط تحصیل کسب کردید؟

خانواده نقش مهمی در رفتار هر فردی دارد. من هم در خانواده اخلاق‌محور، منظم و مذهبی بزرگ شدم. پدر و مادری داشتم که همیشه مهر بانانه و اخلاق‌مدارانه به ما درس زندگی یاد دادند. چیزهایی را هم



در جامعه کسب می‌کنید. اگر از ابتدا، دغدغه شما فرهنگ، کتاب خواندن و تحصیل باشد، ناخودآگاه مسیر برای شما هموار و مشخص می‌شود و به کار فرهنگی و اخلاق‌مدارانه سوق پیدا می‌کنید. من تا ۴۰ سالگی در سایا بازی کردم و دو بار قهرمان شدیم، فکر نمی‌کنم در تمام این سالها کارت زرد زیادی گرفته باشم.